



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۶/۱۰/۱۰

ملک ستیز

## جنابان وزیر! انصاف و عدالت را فراموش نکنید؛ بیست سال جمهوریت را نمیتوان خط بطلان کشید!

شماری از وزیران و مسئولین دوران جمهوریت از طریق کمیسیون بازگشت طالبان به کشور برگشته‌اند و در سخنان خود از گذشته ابراز ندامت می‌کنند. برخی حتی بر تمام دوران جمهوریت خط بطلان می‌کشند و چنان سخن می‌گویند که گویی در آن بیست سال هیچ دستاوردی وجود نداشته است. آن‌ها با این کار خود را در برابر طالبان برائت می‌دهند. جنابان محترم! بی‌تردید دوران جمهوریت کاستی‌ها و ضعف‌های فراوانی داشت. فساد اداری و سیاسی وجود داشت و ناکامی‌های بزرگی نیز رخ داد. هیچ‌کس نمی‌تواند این واقعیت‌ها را انکار کند. اما آیا انصاف است که به خاطر این ناکامی‌ها تمام دستاوردهای یک دوره بیست‌ساله را نیز انکار کنیم؟ آیا درست است که برای توجیه بازگشت به حاکمیت طالبان بر تمام آنچه در این سال‌ها ساخته شد خط بطلان بکشیم؟

این بی‌انصافی بزرگ است که همه دست‌اندرکاران جمهوریت را فاسد و ناکام و بی‌اهمیت جلوه دهیم. در میان کارگزاران آن نظام هزاران انسان باشرف، با وقار و باوجدان حضور داشتند که با تعهد و صداقت برای افغانستان کار می‌کردند. بسیاری از آنان با وجود دشواری‌ها و محدودیت‌ها در راه خدمت به مردم و ساختن یک کشور بهتر تلاش کردند. چشم‌پوشی از نقش و زحمات این انسان‌ها نه با انصاف سازگار است و نه با عدالت. اجازه بدهید حد اقل هفت دستاورد مهم آن دوران را به خاطر شما بیاورم.

نخست گسترش روابط خارجی و حضور فعال افغانستان در جامعه بین‌المللی بود. دولت مشروع افغانستان در دوران جمهوریت در ۴۲ کشور جهان سفارت داشت و کابل میزبان بیش‌تر از ۳۰ سفارت خارجی بود. پرچم افغانستان در سازمان‌های بین‌المللی برافراشته بود. کشور به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد و با نهادهای معتبری چون سازمان همکاری اسلامی و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در چارچوب‌های مختلف همکاری داشت. افغانستان در آن دوران با تمام مشکلات خود عضوی از جامعه بین‌المللی بود و در عرصه دیپلماسی صدایی داشت.

دوم بازسازی دولت و نهادسازی بود. در آن بیست سال ساختارهای اداری و سیاسی کشور دوباره شکل گرفتند و نهادهای دولتی گسترش یافتند. وزارتخانه‌ها و ادارات ملکی و نهادهای خدماتی، دم و دستگاه قوای مسلح و ساختارهای مدیریتی که اکنون به دست طالبان «مفت و رایگان» رسیده است، در دوران جمهوریت توسعه پیدا کردند. جامعه مدنی جان گرفت و تشکلهای اجتماعی شکل گرفتند. مفهوم دولت مدرن و مشارکت شهروندان و اداره عمومی بار دیگر در زندگی سیاسی و اجتماعی افغانستان مطرح شد. بسیاری از ساختارهای که امروز نیز اداره کشور بر آن‌ها استوار است در همان دوران ایجاد شدند یا توسعه یافتند. فرهنگ، هنر و ادبیات توسعه‌ای تاریخی یافت. نقد جمهوریت حق هر شهروند است اما انکار تمام روند نهادسازی با واقعیت‌های تاریخی سازگار نیست.

سوم گسترش آموزش و شکل‌گیری نسل جدید بود. یکی از بزرگ‌ترین تحولات آن دوره گسترش آموزش به شمار می‌رفت. میلیون‌ها کودک دختر و پسر راهی مکاتب شدند و شمار زیادی از جوانان به دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی راه یافتند. این تحول نسلی تازه از زنان و مردان تحصیل‌کرده و متخصص و آگاه را پرورش داد. نسلی که امروز بسیاری از اعضای آن در داخل و خارج افغانستان حضور دارند و در عرصه‌های علمی و فرهنگی و تخصصی و اجتماعی فعالیت می‌کنند. این نسل یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی افغانستان است و نمی‌توان با انکار یک دوره تاریخی ارزش آن را از میان برد.

شمار دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی از هفت دانشگاه دولتی در سال ۲۰۰۱ به حدود ۱۶۷ مؤسسه در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت که شامل ۳۹ مؤسسه دولتی و ۱۲۸ مؤسسه خصوصی بود. در همان سال حدود ۴۳۰ هزار دانشجو در این مؤسسات تحصیل می‌کردند. این گسترش فرصت‌های تازه‌ای برای تحصیل جوانان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خبر و لولي

فراهم کرد و زمینه پرورش نسل جدیدی از استادان و دکتوران طبی و انجینران و حقوق دانان و دیگر متخصصان را به وجود آورد.

چهارم رشد مخابرات و رسانه‌ها و گسترش ارتباط با جهان بود. در دوران جمهوریت بخش مخابرات افغانستان گسترش چشمگیری یافت و افغانستان به جهان وصل گردید. شرکت های تلفونی و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ارتباط میلیون‌ها شهروند را با یکدیگر و با جهان آسان‌تر ساختند. دسترسی به اطلاعات و ارتباطات بین‌المللی و فرصت‌های تازه اقتصادی و آموزشی توسعه یافت. افغانستانی که سال‌ها از بسیاری از امکانات ارتباطی محروم بود در این دوره گام‌های مهمی به سوی جامعه‌ای متصل به جهان برداشت.

پنجم گسترش آزادی‌های مدنی و شکل‌گیری جامعه روشنفکری و تخصصی بود. رسانه‌های آزاد و خصوصی و شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و روزنامه‌ها و نهادهای مدنی و انجمن‌های تخصصی و محافل فرهنگی در این دوره رشد کردند. آزادی بیان هرچند با تهدیدها و محدودیت‌های جدی روبه‌رو بود به یکی از واقعیت‌های مهم زندگی عمومی تبدیل شد. شهروندان فرصت بیشتری یافتند تا دیدگاه‌های خود را مطرح کنند و از عملکرد دولت انتقاد کنند و در بحث‌های سیاسی و اجتماعی سهم بگیرند.

ششم در بخش ترانسپورت نیز شرکت‌های باربری و مسافربری داخلی گسترش یافتند و اتحادیه‌های ترانسپورتی در بخش‌های مختلف کشور فعالیت داشتند. شرکت‌های هواپیمایی داخلی و خارجی نیز در اتصال افغانستان به شبکه حمل‌ونقل منطقه‌ای و بین‌المللی نقش ایفا کردند. در سال‌های پایانی جمهوریت از میدان‌های هوایی افغانستان بیش از ۵۰ پرواز به مقاصد داخلی و خارجی انجام می‌شد و کابل به‌عنوان دروازه اصلی هوایی افغانستان با شماری از مراکز مهم منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباط داشت.

هفتم در بخش صحت نیز گسترش قابل توجهی صورت گرفت. بر اساس آمار سال ۲۰۲۰ شمار شفاخانه‌های دولتی و خصوصی افغانستان به حدود ۶۶۸ شفاخانه رسید. افزون بر آن شمار مراکز صحتی فعال از حدود ۴۹۸ مرکز در سال ۲۰۰۲ به ۳۱۳۵ مرکز در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت. این گسترش زمینه دسترسی شمار بیشتری از شهروندان را به خدمات صحتی فراهم ساخت؛ هرچند کیفیت و توزیع عادلانه این خدمات همچنان با چالش‌هایی روبه‌رو بود. در کنار این تحولات جامعه‌ای از روشنفکران و استادان دانشگاه و متخصصان و کارشناسان و نیروهای تکنوکرات شکل گرفت که می‌توانستند در ساختن و اداره یک نظام مدرن نقش ایفا کنند. این سرمایه انسانی با همه ضعف‌ها و کاستی‌های نظام یکی از دستاوردهای مهم آن بیست سال بود.

اما در کنار تمام این دستاوردها نباید از هزاران جوانی که در صفوف ارتش ملی و پولیس و امنیت ملی جان‌های خود را از دست دادند چشم‌پوشی کنیم. آنان در شرایط دشوار و در برابر تهدیدهای سنگین به وظیفه خود ادامه دادند. بسیاری از این جوانان نه صاحب قدرت بودند و نه از امتیازات سیاسی بهره می‌بردند. آنان فرزندان همین سرزمین بودند که با امید به آینده و با باور به ارزش‌های چون دفاع از سرزمین زیبای ما، آزادی و کرامت انسانی به میدان رفتند و جان خود را از دست دادند.

آیا انصاف است که امروز همه این قربانی‌ها و رشادت‌ها و قهرمانی‌ها را نادیده بگیریم؟ آیا می‌توان فداکاری سربازانی را که در راه دفاع از کشور جان باختند با چند جمله درباره ناکامی جمهوریت از یاد برد؟ آنان نیز بخشی از تاریخ افغانستان‌اند و خون و فداکاری‌شان نباید زیر پای بی‌انصافی و بی‌عدالتی قربانی شود. نقد عملکرد رهبران سیاسی و نظامی یک چیز است و بی‌ارزش جلوه دادن جان‌فشانی هزاران جوان چیز دیگری.

**جنابان!**

این هفت مورد تنها بخشی از تحولات بیست سال جمهوریت است. در کنار آن‌ها باید از حضور زنان در عرصه‌های آموزشی و اداری و سیاسی و اجتماعی و رشد نهادهای فرهنگی و هنری و گسترش فرصت‌های مشارکت شهروندان نیز یاد کرد.

البته این سخنان به معنای نادیده گرفتن فساد و ناکارآمدی و وابستگی‌های سیاسی و بی‌عدالتی‌ها و اشتباهات بزرگی نیست که سرانجام به سقوط جمهوریت انجامیدند. حسابرسی از گذشته ضروری است اما حسابرسی با انکار تاریخ تفاوت دارد.

شما که سال‌ها در رأس وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی قرار داشتید بیش از بسیاری دیگر می‌دانید که چه چیزهای ساخته شد و چه فرصت‌های از دست رفت و چه اشتباهاتی صورت گرفت. اگر در آن نظام خطا کردیم باید مسئولیت

آن را بپذیریم. اگر فساد کردیم باید پاسخگو باشیم و اگر در برابر مردم کوتاهی کردیم باید از آنان پوزش بخواهیم. اما چرا باید برای توجیه وضعیت امروز تمام گذشته را نفی کنیم؟ بازگشت به کشور حق شماس است اما بازگشت به کشور نباید به معنای بازگشت از حقیقت باشد.

تاریخ نه با ندامت‌های سیاسی پاک می‌شود و نه با تغییر موضع افراد بازنویسی می‌گردد. جمهوریت را می‌توان نقد کرد و ناکامی‌هایش را برشمرد و مسئولانش را پاسخگو ساخت اما نمی‌توان دستاوردهای یک نسل را نیز انکار کرد. نمی‌توان هزاران انسان باشرافی را که برای افغانستان کار کردند در یک حکم کلی فاسد و ناکام خواند. نمی‌توان زحمات آموزگاران و استادان و کارمندان دولت و پزشکان و مهندسان و خبرنگاران و فعالان مدنی و هزاران شهروند دیگری را که در آن سال‌ها برای کشور تلاش کردند نادیده گرفت. نمی‌توان فداکاری جوانانی را که در صفوف نیروهای امنیتی جان باختند از حافظه تاریخی مردم حذف کرد.

اگر جمهوریت ناکام شد این ناکامی نباید ما را از دیدن دستاوردهای آن محروم سازد. اگر امروز نظام طالبانی در افغانستان حاکم است این واقعیت نیز نباید ما را وادار کند که گذشته خود را به دلخواه قدرت حاکم بازنویسی کنیم. جلالت‌مآبان! انصاف و عدالت تنها در رفتار با مخالفان سیاسی معنا نمی‌یابد. انصاف یعنی در دآوری درباره گذشته نیز حقیقت را رعایت کنیم. عدالت یعنی میان خطاکاران و خدمت‌گزاران تفاوت بگذاریم و اجازه ندهیم که اشتباهات یک گروه تمام زحمات و فداکاری‌های یک نسل را بی‌ارزش جلوه دهد.

بیست سال جمهوریت بخشی از تاریخ معاصر افغانستان است. تاریخی آمیخته با ناکامی‌ها و اشتباهات و فساد اما در عین حال سرشار از تلاش و امید و آموختن و ساختن و فداکاری. این تاریخ به همه مردم افغانستان تعلق دارد و هیچ فرد یا گروهی حق ندارد آن را به سود مصلحت‌های سیاسی روز تحریف کند.

انصاف و عدالت هم چیز خوبی است به‌ویژه برای کسانی که روزگاری مسئولیت اداره یک کشور را بر دوش داشتند. یادداشت: در تهیه و تدوین این نوشته از آمارها و گزارش‌های نهادهای معتبر بین‌المللی و منابع رسمی استفاده شده است از جمله سازمان جهانی صحت (WHO)، سازمان آموزشی و علمی ملل متحد (UNESCO)، اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU)، سازمان بین‌المللی کار (ILO)، سازمان بین‌المللی Article 19 در زمینه آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، و گزارش‌های بازرس ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان (SIGAR).



[لینک آرشیف: مطالب نشر شده محترم ملک ستیز](#)